

بررسی رابطه بین اعضای مشترک هیأت مدیره و انتخاب روش های حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران

امیررضا مطلوبی^۱، مرتضی خانلاری^۲

^۱ کارشناسی ارشد حسابداری _ دانشجوی موسسه آموزش عالی علم و فن آوری شمس.

^۲ دکترای حسابداری _ مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

نام نویسنده مسئول:

امیررضا مطلوبی

چکیده

موضوع و هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین اشتراک اعضای هیأت مدیره و انتخاب روش های حسابداری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران می باشد. تحقیق حاضر به لحاظ هدف، کاربردی، به لحاظ روش استنتاج، توصیفی- استقرایی (تحلیل آماری) و به لحاظ طرح کلی تحقیق، پس رویدادی/گذشته نگر می باشد. نمونه انتخابی در این تحقیق در برگزیده تعداد ۱۵۵ شرکت پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران بین سالهای ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ می باشد. برای انتخاب نمونه از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. سپس بر اساس الگوی تحقیق و روش رگرسیون، فرضیه های تحقیق آزمون به روش پنل دیتا و با نرم افزار ایویوز مورد بررسی قرار گرفت. برآورد مدل رگرسیونی پروبیت، و محاسبه ضرایب رگرسیونی نشان داد که هیأت مدیره مشترک، مدت زمان ارتباط مشترک هیأت مدیره مشترک و تخصص مالی هیأت مدیره مشترک بر انتخاب روش های حسابداری در شرکت تأثیر مثبت دارد.

واژگان کلیدی: روش های حسابداری، هیأت مدیره مشترک، تخصص مالی.

مقدمه

همزمان با شکل گیری دنیای جدید رقابت و شکستن سقف های پوشالی امنیت شرکت های بزرگ، ماهیت و فلسفه وجودی هیأت مدیره ناگزیر از تحول و دگرگونی شد. نظم نوین جهان تجارت، شکست و رخنه پذیری بازارهای انحصاری، افزایش رقابت ناشی از فرایند جهانی سازی و جهانی شدن، سونامی ظهور شرکت های کوچک نوآور، ظهور و رشد سرسام آور اقتصادهایی چون چین و هند، بحران اقتصاد جهانی و مسائل بسیاری از این قبیل، استیصال مدیران شرکت های بزرگ را نیز در شناخت حرکت و آینده بازار به همراه داشته و کاهش مستمر طول افق دید مدیران را موجب شده است. از این رو هیأت های مدیره مورد توجه محققان قرار گرفتند و بیش از پیش به عنوان دیده بانان سازمانی تعریف گشتند. مسئله به همین اندک نیز ختم نشد و محققان و صاحب نظران با انتقادات شدید از هیأت های مدیره خواستار افزایش مشارکت آنها در آینده و سرنوشت سازمان های تحت امرشان بودند.

از سویی دیگر از زمان پیدایش تحقیقات حاکمیت شرکتی در اواخر قرن بیستم یکی از بحث انگیزترین موضوعات وجود هیأت مدیره مشترک در ساختار حاکمیت شرکتی است.

یکی از موضوعات بحث برانگیز حسابداری موضوع اعضای مشترک در ساختار هیأت مدیره شرکت ها است (ریچاردسون، ۱۹۸۷). منظور از اعضای مشترک هیأت مدیره، اعضای از هیأت مدیره یک شرکت است که به طور هم زمان در جایگاه عضو هیأت مدیره شرکت دیگر نیز قرار داشته باشد (میزروچی، ۱۹۹۶). یا به عبارت دیگر در شرایطی که یک فرد به یک سازمان وابسته است در سازمان دیگر عضو هیأت مدیره مشترک باشد. ادبیات مربوط به هیأت مدیره مشترک بر نقش هیأت مدیره مشترک به عنوان یک منبع مهمی از تبادل اطلاعات بین سازمان ها درباره اقدامات نوآور و اثربخشی سازمان های رقیب تاکید می کند (برگاتی و فاستر، ۲۰۰۲). در حالی که اعضای هیأت مدیره بدون شک یک نقش حیاتی در سازمان ایفا می کنند (فاما و جنسن، ۱۹۸۳)، با این حال، عملکرد اعضای مشترک هیأت مدیره تبعات مثبت و منفی برای سازمان به همراه دارد (اریکسون و همکاران، ۲۰۰۵). هیأت مدیره مشترک (اشتراکی)، به عنوان یکی از مهمترین ارتباطات اجتماعی بین شرکت ها، ثابت کرده است که خط مشی، بدون هزینه و قابل اعتمادتر از انتشار اطلاعات است (هونس چایلد، ۱۹۹۳، شروپشیر، ۲۰۱۰)، هیأت مدیره مشترک می تواند به عنوان مکانیزمی برای انتشار فعالیت ها و ساختارهای یکنواخت شرکت ها عمل کند (چیو و همکاران، ۲۰۱۳؛ هونس چایلد، ۱۹۹۳؛ هو و همکاران، ۲۰۱۳).

مطالعات قبلی بررسی کرده اند که آیا فعالیت های یکنواخت شرکت ها، از جمله انتخاب روشهای حسابداری، منجر به همسانی انتخاب های شرکت مانند استراتژی های قرص سمی (اقدامی تدافعی برای جلوگیری از خریداری شدن شرکت توسط رقبای) (دیویس، ۱۹۹۱)، مدیریت سود (چیو و همکاران، ۲۰۱۳؛ شی و همکاران، ۲۰۱۳)، و پاداش خدمات مدیران (ادی و همکاران، ۲۰۱۴؛ کرسپی کلادرا و پاسکال فاستر، ۲۰۱۵)، خواهد شد. این مطالعات به طور پیوسته نتیجه می گیرند که انتخاب های شرکت می توانند از طریق هیأت مدیره مشترک منتشر شوند. با این حال، هیچ یک از این مطالعات بر انتخاب روش های معمول و اساسی حسابداری مانند روش های موجودی و روش های استهلاک توجه نداشته اند.

مطالعات قبلی نشان می دهد که روش های حسابداری انتخاب شده اند تا اطلاعات و پیش بینی های مدیران درباره جریانهای نقدی آینده شرکت را افشاء کنند (هولتوسن، ۱۹۹۰؛ هولتوسن و لفتویچ، ۱۹۸۳؛ واتس و زیمرمان، ۱۹۹۰). بدین ترتیب، این روشهای معمول و اساسی حسابداری، مانند روش موجودی و روش استهلاک، بیشتر مربوط به ارزش شرکت و جریان نقدی آتی است. علاوه بر این، هولتوسن و لفتویچ (۱۹۸۳) نشان می دهند که روش های سیستماتیک حسابداری می توانند به دلیل پیروی، به سادگی یکنواخت شوند. با توجه به محتوای اطلاعاتی انتخاب روش های حسابداری و تأثیر آنها بر جریان های نقدی آینده و ارزش شرکت، این موضوع که آیا هیأت مدیره مشترک می تواند انتخاب روش های حسابداری را تحت تأثیر قرار دهد یا خیر، با اهمیت است. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر هیأت مدیره مشترک بر انتخاب روش های حسابداری انجام شده و همچنین در این پژوهش بررسی شده است که چگونه مدت ارتباط مشترک هیأت مدیره مشترک و نیز تخصص مالی هیأت مدیره مشترک در رابطه با انتشار روش حسابداری اثر می گذارد.

پیشینه نظری پژوهش

برخی از اعضای مشترک در ساختار هیأت مدیره انگیزه ای مضاعف برای نظارت سخت کوشانه تر ایجاد می نماید، زیرا آنها دانش، تجربه، مهارت و انگیزه برای نظارت فعالانه برای اقدامات مدیریتی دارند که نتیجه آن افزایش کیفیت سود شرکت خواهد بود (هسیم و رحمان، ۲۰۱۱). در مقابل سانتلا و همکاران (۲۰۰۹) دریافتند شرکت هایی که در ساختار هیأت مدیره خود اعضای مشترک دارند در معرض اهداف دسیسه آمیز قرار دارند. به طور مثال در این گونه از شرکت ها همواره معاملاتی بین شرکت های با هیأت مدیره مشترک صورت می گیرد. که در شرایط عادی صورت نمی پذیرد (معاملات با اشخاص وابسته). همچنین بر اساس مطالعات سیلویا و مگلاف (۲۰۰۸)

هرچه اعضای مشترک در ساختار هیأت مدیره شرکت ها بیشتر باشد، شرکت تمایل بیشتری به اتلاف ارزش و سرمایه گذاری در پروژه های با ارزش منفی دارد و تصمیمات آنها تأثیر معکوس بر عملکرد شرکت داشته و احتمال تجربه یک ورشکستگی در این شرکت ها زیاد است. نظریه دیدگاه اطلاعات (هولتوسن، ۱۹۹۰) نشان می دهد که اگر مدیران دارای مزیت نسبی در دسترسی به منابع و به دست آوردن اطلاعات برای شرکت های خود باشند، آنها قدرت و تأثیر بیشتری بر برآورد جریان های نقدی آینده شرکت ها خواهند داشت. این نظریه با نظریه راجرز (۲۰۰۳) سازگار است، که نشان می دهد که رهبران عقیده می توانند در تصمیم گیری در مورد اینکه آیا خوب یا بد هستند، قدرتمندتر و تأثیر گذارتر باشند. همزمان، مدیران با مزیت نسبی در ارائه منابع و اطلاعات باید تا حدی با توجه به توانایی آنها در پیش بینی جریان نقدی آینده شرکت ها جبران شوند (هولتوسن، ۱۹۹۰). از این رو، انتخاب روش های مناسب حسابداری اساس تصمیم گیری بسیار مهمی برای مدیران است. مدیران از گزینه های روش های حسابداری اساسی استفاده می کنند تا دیدگاه خود را در چشم انداز آینده شرکت ها، مثلاً انتظارات خود از جریان نقدی آینده، و برای بهبود قابلیت اطمینان و ارتباط اطلاعات حسابداری با علامت ابلاغ کنند؛ (هولتوسن، ۱۹۹۰، هولتوسن و لفتویچ، ۱۹۸۳؛ واتس و زیمرمن، ۱۹۹۰)

با این حال، انتخاب روش حسابداری به صورت مستقیم نیست و آنها بر مشکلاتی که مدیران با آن روبه رو می شوند و همچنین راه حل هایی که آنها اتخاذ می کنند، تأثیر می گذارند. تصمیم گیری برای مدیران در میان این گزینه های حسابداری دشوار است. عدم قطعیت محیط و ابهام در نتیجه ممکن است مدیران را به بحث اکتشافی در هنگام تصمیم گیری در مورد انتخاب روش حسابداری پیچیده هدایت کند. به طور خاص، برای مقابله با این عدم قطعیت، مدیران می توانند تصمیم خود را با اتخاذ روش های دقیق حسابداری یا پیروی از فرآیند تصمیم گیری روش حسابداری شرکای متقابل خود، ساده سازی کنند.

با توجه به نظریه وابستگی منابع، مدیران اشتراکی می توانند اطلاعات و دانش دست اول (عالی) و دقیق را که از شرکت های دیگر به دست می آیند و برای تصمیم گیری ها و استراتژی های شرکت هایشان مربوط و حیاتی هستند را ارائه دهند (شروپشیر، ۲۰۱۰). بنابراین، مدیران اشتراکی در تصمیم گیری های شرکت ها، از جمله تصمیم گیری انتخاب روش حسابداری، با توجه به توانایی آنها در کسب اطلاعات و تفسیر، مزیت نسبی دارند (راوو و همکاران، ۲۰۰۰). و می توان فرض کرد که بین انتخاب روش حسابداری شرکت اشتراکی، و انتخاب روش حسابداری از شرکت مرکزی یک رابطه مثبت وجود دارد.

این تحقیق دارای مفاهیم سیاسی عملی نیز است. به نظر می رسد قانونگذاران و بعضی از کسانی که در پارلمان تبلیغ می کنند، تصور کنند که هیأت مدیره مشترک خوب نیستند و سعی دارند آنها را از بین ببرند. به عنوان مثال، مری ال. شاپیرو، عضو کمیسیون بررسی اوراق بهادار آمریکا (SEC)، استدلال می کند که تضعیف هیأت مدیره های در حال اشتراک یک ایده ارزشمند در حال پیگیری است. سیستم بازنشستگی کارمندان اجتماعی کالیفرنیا (CalPERS) به کمیسیون بررسی اوراق بهادار آمریکا (SEC) پیشنهاد می کند که تعریف استقلال در مدیران باید شامل هر گونه رابطه، مانند رابطه متقابل، که ممکن است عینیت مدیر را در ظاهر و یا در حقیقت مختل کند، باشد. این نگرانی ها ممکن است قانونی باشند؛ با این حال، آنها ساده و ناقص هستند. مدیران در حال اتصال یک راه حل طبیعی (بدیهی) برای نمونه هایی از سطوح بالای عدم قطعیت هستند. هنگامی که شرکت ها با عدم قطعیت محیطی در تصمیم گیری مواجه می شوند، آنها ممکن است آنچه شرکای اشتراکی شان قبلاً انجام می دادند را تقلید کنند. همچنین مدیران مشترک (اشتراکی) نه تنها تصمیم گیری های سیاسی مدیریت "خوب" (به عنوان مثال، استراتژی متحد) بلکه "بد" (مثلاً "بازگویی مالی") را می توانند منتشر کنند. به عنوان مثال، کمیسیون تنظیم مقررات اوراق بهادار تهران نیازمند شرکت های ذکر شده است تا اطلاعات اصلی هیأت مدیره مشترک و تأثیر آنها بر عملیات شرکت ها را افشا کنند. بنابراین، تقویت اثرات مثبت هیأت مدیره مشترک و تضعیف اثرات منفی یک کار مهم است که تنظیم کننده ها باید در نظر بگیرند به خصوص برای شرکت هایی که در یک محیط با سطوح بالای عدم قطعیت کار می کنند. با توجه به گفته پنگ و لو (۲۰۰۰) و پاول (۱۹۹۰)، عدم قطعیت محیطی دلیل اصلی متکی شدن شرکت ها بر روابط مدیریت هنگام تصمیم گیری می باشد.

یک روش کارآمد برای به دست آوردن اطلاعات و کاهش عدم قطعیت محیطی، استفاده از روابط میان فردی مدیران است (پنگولو، ۲۰۰۰). تحقیقات قبلی نشان داده است که هیأت مدیره مشترک یک مکانیزم جایگزین برای یک محیط سازمانی ضعیف هستند و ممکن است نقش مهمتری را برای شرکت های موجود در کشورهای در حال توسعه بازی کنند (پنگولو، ۲۰۰۰؛ رنو همکاران، ۲۰۰۹). انتخاب روش های حسابداری (روش های موجودی و استهلاک) در واقع در سراسر شرکت ها از طریق شبکه های هیأت مدیره مشترک منتشر می شوند، و انتخاب شرکت های مرکزی به طور مستقیم با انتخاب روش های حسابداری قبلی شرکت های شریک متقابل خود ارتباط دارد.

در ادبیات مربوط به هیأت مدیره مشترک از دیدگاه اجتماعی هیأت مدیره و حسابرسان مشترک که برای سایر شرکت ها فعالیت می کنند، یک شکلی از سرمایه اجتماعی بوده که دسترسی به اطلاعات را از طریق جریان روابط اجتماعی برقرار شده با مدیریت میسر می کنند

هیأت مدیره مشترک بر بسیاری از عملیات سازمان شامل حقوق و مزایای هیأت مدیره، نظام راهبری، ساختار سازمانی و سیستم کنترل کیفیت ایزو تأثیر دارد. (برگاتی و فاستر، ۲۰۰۳)

پیشینه تجربی پژوهش

جای هان، نان هو، لینگ لیو، گائولیانگ تیان (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی انتخاب روش حسابداری مجزا که متأثر از مدیران مشترک می باشد را از لحاظ انتشار رفتاری در چین و شانگهای دریافتند در زمانی که یک رابطه مشترک بین دو شرکت وجود دارد، روش های حسابداری آن شرکت ها شامل روش های موجودی و روش های استهلاک، مشابه یکدیگر بوده علاوه بر این، رابطه اشتراک طولانی بین دو شرکت عدم اطمینان را نیز افزایش می دهد. هم چنین، اثر اشتراکی بودن بر روی روش های استهلاک برای شرکتهایی که مدیران مشترک دارای زمینه مالی هستند، بیشتر است.

پنگ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین هیأت مدیره مشترک و عملکرد شرکت های چینی پذیرفته شده در بورس هنگ کنگ پرداخته و به این نتیجه رسیدند که وجود هیأت مدیره مشترک به بهبود عملکرد شرکت ها کمک می کند. هلمرز و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر هیأت مدیره مشترک بر میزان مخارج تحقق و توسعه و مخارج حق الاختراع که نماینده نوع آوری شرکت هستند، در هند پرداخته اند. یافته های آن ها نشان می دهد که هیأت مدیره مشترک اثر مثبتی بر هزینه های تحقیق و توسعه و میزان مخارج اختراعات شرکت دارد.

جستن مندزاک (۲۰۱۳) به بررسی رابطه هیأت مدیره مشترک، افشاهای اختیاری و کیفیت سود پرداخت. نتایج نشان داد که هیأت مدیره های مشترک با افشاهای داوطلبانه ارتباط منفی و با کیفیت سود ارتباط مثبت دارد. همسو با تحقیقات قبلی در این تحقیق نیز دریافت که اندازه ی شرکت و استقلال ریاست هیأت مدیره با افشاهای داوطلبانه ارتباط مثبت دارد. اما هیأت های مشترک تأثیر چشمگیری بر عدم پرداخت مالیات ندارد.

داریوش فروغی، جمال علیدادی شمس آبادی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر هیأت مدیره مشترک بر افشای اختیاری اطلاعات و کیفیت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته های پژوهش آنها نشان می دهد که هیأت مدیره مشترک بر کیفیت سود و نیز بر افشای اختیاری اطلاعات تأثیر مثبت دارد.

یعقوب مزرعه لی، مهدی آقا بیگی، زینب جوانشیری نژاد (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر وجود عضو هیأت مدیره مشترک بر سطح افشاء و کیفیت سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران می پردازند. بر این اساس اطلاعات مورد نیاز پژوهش از ۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس طی در طی سالهای ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۳ استخراج و مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند. در این پژوهش جهت آزمون فرضیات از مدل رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد بین وجود هیأت مدیره مشترک و سطح افشاء به صورت معکوس و کیفیت سود و عملکرد شرکت به صورت مستقیم رابطه معناداری وجود داشته و بین وجود هیأت مدیره مشترک و فرار مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد.

سمیه مدن حقیقی، سعید امیدوار، محمود قاسمیان (۱۳۹۴) به بررسی رابطه بین وجود عضو هیأت مدیره مشترک با عملکرد آتی شرکت های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران می پردازند و یک دوره پنج ساله از سال ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۲ در شرکتهای پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران را جهت مطالعه انتخاب نموده و نتایج نشان می دهد که عضو هیأت مدیره مشترک رابطه مثبت با عملکرد آتی، کیفیت سود شرکت ها دارد. در مقابل بر ریسک مالیاتی شرکت تأثیر با اهمیتی ندارد.

حمیدرضا وکیلی فرد، غلام حسین نیکوکار، سمیه مدن حقیقی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر هیأت مدیره مشترک بر سطح افشاء و کیفیت سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران پرداختند. در راستای این هدف، تعداد ۱۴۴ شرکت که اطلاعات مورد نیاز برای ۵ دوره مورد نیاز تحقیق (۹۰-۸۶) در مورد آنها قابل دسترسی بود انتخاب شدند. به منظور آزمون فرضیه از تکنیک آماری رگرسیون خطی چند متغیره بهره گرفته شد. نتایج بدست آمده بیانگر آن است که بین هیأت مدیره مشترک و سطح افشاء رابطه معکوس و بین هیأت مدیره مشترک با کیفیت سود و عملکرد شرکت رابطه مستقیم و با فرار مالیاتی رابطه ندارد.

فرضیه های پژوهش

با توجه به مطالب بیان شده، جهت پاسخگویی به مسئله پژوهش، فرضیه ها به صورت زیر بیان شده است:

۱. فرضیه اول: انتخاب روش حسابداری شرکت (روش ارزشیابی موجودی کالا، روش محاسبه استهلاک) با انتخاب روش حسابداری توسط هیأت مدیره مشترک ارتباط دارد.

۲. فرضیه دوم: مدت زمان رابطه هیأت مدیره مشترک، در انتخاب روش های حسابداری شرکت تأثیر دارد.
۳. فرضیه سوم: هیأت مدیره مشترک با تخصص مالی، در انتخاب روش های حسابداری شرکت تأثیر دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، از نوع تحقیقات کاربردی می باشد. با توجه به موضوع و از آنجا که بر اساس داده های گذشته ارتباط متغیرهای مستقل و وابسته مورد بررسی قرار می گیرند، تحقیق حاضر از نوع همبستگی و پس رویدادی (علی-مقایسه ای) است. با توجه به اینکه تحقیق حاضر به صورت میدانی بوده و با داده های واقعی سر و کار دارد، برای گردآوری اطلاعات شرکت های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران که با توجه به متغیرهای تحقیق، مربوط به صورت های مالی شرکت ها می شود، از منابع مختلفی از جمله لوح های فشرده سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، سایت اطلاع رسانی شرکت بورس و سازمان بورس، سایت برخی از موسسات حسابرسی و نرم افزار ره آورد نوین تدبیر پرداز استفاده شده است. همچنین برای جمع آوری داده ها و اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و بررسی پیشینه تحقیق از روش کتابخانه ای استفاده شده است که منابع کتابخانه ای شامل مجلات هفتگی، ماهنامه ها، فصلنامه ها و انتشارات مراکز تحقیقاتی و پژوهشی، پایان نامه های تحصیلی فارسی و لاتین می باشد.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه تحقیق از تحلیل رگرسیون چند متغیره (مرکب)، و همچنین به منظور انجام محاسبات و تحلیل داده ها و اطلاعات مورد نیاز در این تحقیق و نیز تجزیه و تحلیل آنها از صفحه گسترده EXCEL و نرم افزار های Eviews 10 و Minitab 18 استفاده شده است.

از لحاظ موضوع این پژوهش در حوزه مالی، تأثیر هیأت مدیره مشترک بر انتخاب روش های حسابداری (روش موجودی کالا و روش استهلاک دارایی) را مورد بررسی قرار خواهد داد. از نظر مکانی تحقیق این پژوهش شرکت های پذیرفته شده در سازمان بورس و اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار خواهد داد. قلمرو زمانی تحقیق اطلاعات شرکتها برای ۷ سال از سال ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۵ خواهد بود.

نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر سازمان بورس و اوراق بهادار تهران می باشد. نمونه آماری نیز تعداد ۱۵۵ شرکت (با تعداد مشاهدات ۱۰۸۵) از بین شرکت های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران انتخاب شده است. افزون بر اینکه جامعه آماری با استفاده از شاخص های زیر توسط پژوهشگر تعدیل شد تا نمونه ی مطلوب پژوهش بدست آید:

- شرکت باید قبل از سال ۸۹ در بورس و اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۵ در بورس فعال باشد.
- اطلاعات مورد نیاز شرکتها، در دوره مورد بررسی موجود باشد.
- شرکت های مورد نظر جزو شرکت های سرمایه گذاری، واسطه گری مالی، بانکها، هلدینگ ها، لیزینگ ها و بیمه ها نباشند.
- اطلاعات مالی شرکت برای دوره زمانی تحقیق موجود باشد.

روش اندازه گیری متغیرهای تحقیق

مدل هیأت مدیره مشترک

به پیروی از شی و همکاران (۲۰۱۳) برای پیش بینی احتمال وقوع هیأت مدیره مشترک در شرکت ها در یک سال معین از مدل پروبیت زیر استفاده شد.

(۱)

$$Director_{Interlock_{i,t}} = x_0 + x_1 size_{i,t} + x_2 boardsize_{i,t} + x_3 list_{i,t} + x_4 ROA_{i,t} + x_5 LEV_{i,t} + x_6 SOE_{i,t} + x_7 Share_{i,t} + x_8 year_{i,t} + x_9 industry_{i,t} + \varepsilon$$

مدل روش های حسابداری (روش ارزشیابی موجودی کالا- روش محاسبه استهلاک)

برای بررسی تأثیر هیأت مدیره مشترک بر روی انتشار روش حسابداری، از مدل های پروبیت زیر که به ترتیب، مدل های (۲) و (۳)، برای بررسی آزمون رابطه بین هیأت مدیره مشترک و انتشار انتخاب روش موجودی و روش استهلاک استفاده شده است.

(۲)

$$F_{\text{موجودی}}_{i,t} = x_0 + x_1 \text{Inventory}_{j,t-1} + x_2 \text{Interlock} + x_3 \text{Inventory}_{j,t-1} * \text{Interlock} \\ + x_4 R\&D_{i,t} + x_5 \text{LABOR}_{i,t} + x_6 \text{MFC}_{i,t} * \text{CGS}_{i,t} + x_7 \text{NPAY}_{i,t} + x_8 \text{ADV}_{i,t} \\ + x_9 \text{LEVMV}_{i,t} + x_{10} \text{SALE}_{i,t} + x_{11} \text{DROA}_{i,t} + \Sigma \text{Year} + \Sigma \text{Industry} + \varepsilon$$

(۳)

$$F_{\text{استهلاک}}_{i,t} = x_0 + x_1 \text{Depreciation}_{j,t-1} + x_2 \text{Interlock} + x_3 \text{Depreciation}_{j,t-1} * \text{Interlock} \\ + x_4 R\&D_{i,t} + x_5 \text{LABOR}_{i,t} + x_6 \text{MFC}_{i,t} * \text{CGS}_{i,t} + x_7 \text{NPAY}_{i,t} + x_8 \text{ADV}_{i,t} \\ + x_9 \text{LEVMV}_{i,t} + x_{10} \text{SALE}_{i,t} + x_{11} \text{DROA}_{i,t} + \Sigma \text{Year} + \Sigma \text{Industry} + \varepsilon$$

جدول (۱) متغیرهای مدل فرضیه ها

نام متغیر	علامت اختصاری	نوع متغیر	نحوه اندازه گیری
هیأت مدیره اشتراکی	Director Interlock	مستقل	یک متغیر شاخص است؛ زمانی که شرکت یک رابطه اشتراکی با دیگر شرکت ها دارد، برابر یک و در غیر اینصورت برابر صفر است.
موجودی کالا F_	F_inventory	وابسته	روش موجودی شرکت ها در سال t، شرکت هایی که از روش موجودی کالای FIFO استفاده می کنند برابر یک و شرکت هایی که از روش هزینه یابی میانگین موجودی کالا استفاده می کنند، صفر است.
استهلاک F_	Depreciation _ F	وابسته	روش استهلاک دارایی شرکت در سال t، شرکت هایی که از روش استهلاک مستقیم استفاده می کنند برابر یک، و شرکت هایی که از روش استهلاک نزولی استفاده می کنند، برابر صفر می باشد.
اندازه	Size	کنترلی	لگاریتم طبیعی کل دارایی های شرکت در سال t
اندازه هیأت مدیره	Boardsize	کنترلی	تعداد کل اعضای هیأت مدیره شرکت در سال t
فهرست	List	کنترلی	لگاریتم طبیعی روزهای معاملاتی شرکت در پایان سال t
بازده دارایی شرکت	ROA	کنترلی	بازده دارایی شرکت در سال t می باشد که از طریق نسبت سود خالص بر کل دارایی ها بدست می آید.
	LEV	کنترلی	نسبت کل بدهی به کل سهام شرکت در سال t
اشتراک گذاری سهام	Share	کنترلی	نسبت سهم بزرگترین سهامدار در شرکت در سال t
سال	Year	کنترلی	سال های ساختگی، اثر ثابت سال
صنعت	Industry	کنترلی	متغیر مجازی است که به منظور کنترل اثر صنعت می باشد.
موجودی کالا	Inventory	کنترلی	روش موجودی کالای انطباقی شرکت سهامی مشترک یا شرکت سهامی غیر قابل اشتراک. اگر روش FIFO در سال t-1 استفاده شود، آن برابر با یک و اگر روش هزینه یابی میانگین موجودی کالا در سال t-1 استفاده شود، آن برابر صفر است.
استهلاک	Depreciation	کنترلی	روش استهلاک دارایی انطباقی شرکت غیر اشتراکی یا شرکت مشترک. اگر روش خطی در سال t-1 استفاده شود، آن را برابر با یک و اگر روش نزولی در سال t-1 استفاده شود، آن برابر با صفر است.
اشتراک	Interlock	کنترلی	متغیر مجازی است؛ زمانی که شرکت یک رابطه اشتراکی با دیگر شرکت ها دارد، برابر یک و در غیر اینصورت برابر صفر است.
مدت اشتراک	Interlock Age	کنترلی	مدت ارتباط اشتراکی پیوسته بین شرکت ها

حسابداری	Accounting	کنترلی	یک متغیر مجازی است؛ اگر مدیر اشتراکی دارای تحصیلات مالی و حسابداری باشد، برابر یک و در غیر این صورت صفر می باشد.
دارایی تعدیل شده	Adjusted Asset	کنترلی	متوسط دارایی های تعدیل شده شرکت در ابتدا و پایان سال. دارایی های تعدیل شده برابر است با مجموع دارایی ها و استهلاک انباشته
هزینه تحقیق و توسعه	R&D	کنترلی	هزینه های تحقیق و توسعه، توسط میانگین دارایی های تعدیل شده برای شرکت در سال t مقیاس بندی شده است.
نیروی انسانی	LABOR	کنترلی	شدت کار؛ برابر یک منهای نسبت دارایی (ناخالص)، ماشین آلات و تجهیزات به دارایی های تعدیل شده شرکت در سال t می باشد.
	MFG	کنترلی	متغیر مجازی است؛ در صورتی که شرکت جزو شرکتهای تولیدی است برابر با یک و در غیر این صورت صفر است.
نام متغیر	علامت اختصاری	نوع متغیر	نحوه اندازه گیری
	CGS	کنترلی	بهای تمام شده کالای فروش رفته که با استفاده از میانگین دارایی های تعدیل شده شرکت در سال t تعدیل شده است.
	NPAY	کنترلی	اسناد پرداختنی که با استفاده از متوسط دارایی های تعدیل شده شرکت در سال t تعدیل شده است.
	ADV	کنترلی	هزینه تبلیغات که بر اساس متوسط دارایی های تعدیل شده شرکت در سال t تعدیل شده است.
نسبت بدهی	LEV MV	کنترلی	نسبت بدهی بلند مدت به ارزش بازار سهام شرکت در سال t
فروش	SALE	کنترلی	لگاریتم طبیعی فروش خالص شرکت در سال t
نرخ بازده دارایی	DROA	کنترلی	متغیر مجازی است؛ نرخ بازده دارایی های شرکت در سال t به ۱۰ گروه تقسیم می شود. در صورتی که در گروه ۲-۹ باشد، آن برابر با یک و در غیر این صورت صفر است.

آمار توصیفی

آمار توصیفی شامل مجموعه روش هایی است که برای جمع آوری، تلخیص، طبقه بندی و توصیف حقایق عددی به کار می رود. در واقع این نوع تحلیل، داده ها و اطلاعات پژوهش را توصیف می کند و طرح یا الگوی کلی از داده ها را برای استفاده سریع و بهتر از آن ها به دست می دهد. آمار توصیفی بیانگر اطلاعاتی در مورد پارامترهای مرکزی و پراکندگی داده های تحقیق است. در این بخش قبل از ارائه نتایج آمار توصیفی، نتایج مربوط به فراوانی متغیرهای با مقدار ۰ یا ۱ در جدول ۲ و ۳ آورده شده است.

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	فراوانی ۰	فراوانی ۱
Inventory	۵۱۹	۵۶۶
Depreciation	۴۹۴	۵۹۱
Interlock	۷۵۴	۳۳۱
MFG	۳۲	۱۲۳
تعداد شرکت ها	۱۵۵	
تعداد کل مشاهدات	۱۰۸۵	

جدول (۳): آمار توصیفی متغیر های پژوهش

نام متغیر	میانگین	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	انحراف معیار
Interlock	۰/۳۰۶۹	۱	۰	۰/۰۱۰۶
size	۵/۸۴۰۹	۸/۹۱۰۷	۴/۱۲۳۰	۰/۰۶۷۴
Bsize	۰/۰۲۷۵	۰/۰۸۱۱	۰/۰۰۱۶	۰/۰۲۱۱
LEV	۰/۰۱۰۶	۰/۰۵۶۷	۰/۰۰۱۱	۰/۰۰۰۶
Vol	۰/۸۶۵۱	۳/۵۶۱۸	۱/۱۸۰۵	۰/۱۹۵۵
SALE	۰/۰۱۳۲	۰/۰۲۴۵	۰/۰۰۱۴	۰/۰۱۰۷
DROA	۰/۲۳۴۰	۰/۳۴۵۲	۰/۰۰۹۰	۰/۰۰۱۸
Industry	۰/۰۵۴۳	۰/۰۹۷۶	۰/۰۰۸۱	۰/۰۰۳۱
List	۰/۱۱۰۶	۰/۱۵۶۷	۰/۰۹۸۱	۰/۰۰۸۰
ROA	۰/۱۰۸۰	۰/۱۶۵۰	۰/۰۵۴۱	۰/۰۰۱۰
Share	۰/۱۳۶۰	۰/۱۷۸۱	۰/۰۸۶۱	۰/۰۱۲۱
Year	۰/۱۳۲۱	۰/۱۴۵۸	۰/۰۶۴۳	۰/۰۰۴۶
Inventory	۰/۱۱۳۴	۰/۱۷۸۰	۰/۰۵۱۸	۰/۰۱۲۵
Interlock age	۰/۱۰۹۸	۰/۱۹۸۷	۰/۰۵۶۴۰	۰/۰۰۹
Inventory*Interlock	۰/۳۰۶۹	۱	۰	۰/۰۱۰۶
R&D	۰/۰۴۲۳	۰/۰۹۸۴	۰/۰۰۱۶	۰/۰۰۱۱
LABOR	۰/۰۹۱۶	۰/۱۵۶۷	۰/۰۱۲۳	۰/۰۱۱۶
MFC	۰/۴۵۶۹	۱	۰	۰/۰۱۰۶
CGS	۰/۰۵۴۳	۰/۰۹۷۶	۰/۰۰۸۱	۰/۰۱
NPAY	۰/۱۲۶۰	۰/۱۹۶۷	۰/۰۸۷۶	۰/۰۰۶۱
ADV	۰/۱۱۱۳	۰/۱۷۶۵	۰/۰۱۹۱	۰/۰۱۳۴
LEVMV	۰/۱۰۶۱	۰/۱۸۹۰	۰/۰۰۹۱	۰/۰۳۴۰
Depreciation*Interlock	۰/۱۰۹۰	۰/۱۷۸۹	۰/۰۰۷	۰/۰۱۳۴
Depreciation	۰/۳۰۶۹	۱	۰	۰/۰۱۴۵

نتایج مدل های پژوهش و آزمون فرضیه ها

نتایج حاصل از برآورد مدل های تحقیق با رگرسیون پروبیت در جدول ۴، ۵ و ۶ آورده شده است.

تحلیل مدل رگرسیون

آزمون فرضیه اول

نتایج حاصل از رگرسیون پروبیت برای مدل شماره ۱ در جدول ۴ آورده شده است. با توجه به جدول مشخص است که مقدار شاخص LR برای این مدل برابر با ۳۵/۷۸ بوده و سطح معنی داری این شاخص برابر با ۰/۰۰۰۱ می باشد. لذا می توان گفت این مدل در حالت کلی معنی دار است.

آماره R^2 مک فادن درواقع شاخص نسبت نمایی میباشد و به صورت $R^2 = 1 - \frac{L(B)}{L(0)}$ است. همان گونه که نام این شاخص نشان میدهد این شاخص مشابه R^2 در مدلهای رگرسیون خطی است و همواره مقداری بین صفر و یک دارد. برای مدل شماره ۱ این مقدار برابر با ۰/۸۱ می باشد.

آزمون برازش هاسمر-لمشو در واقع ارزشهای انتظاری برازش شده را با داده های واقعی موجود به وسیله گروه بندی مقایسه می کند و چنانچه تفاوت زیاد باشد، مدل را به عنوان برازش نامناسب رد خواهد نمود. اگر مقدار شاخص محاسبه شده، بزرگ باشد یعنی مقادیر پیش بینی شده در هر گروه با مقادیر واقعی آن تفاوت دارد و در نتیجه برازش نامناسبی داریم.

با توجه به مقدار هاسمر-لمشو بدست آمده برای مدل شماره ۱ (۲/۶۵) و سطح معنی داری ۰/۰۰۵ مشخص است که بین مقادیر برازش شده و واقعی تفاوتی وجود ندارد.

جدول (۴): نتیجه آزمون فرضیه اول

$Director_Interlock_{i,t} = x_0 + x_1size_{i,t} + x_2boardsize_{i,t} + x_3list_{i,t} + x_4ROA_{i,t} + x_5LEV_{i,t} + x_6SOE_{i,t} + x_7Share_{i,t} + x_8year_{i,t} + x_9industry_{i,t} + \varepsilon$				
نام متغیر	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	آماره Z	P
size	۰/۹۱۲	۰/۰۸۰۰	-۰/۸۷۶	۰/۰۰۱
Bsize	۰/۹۱۰	۰/۰۰۴	۱/۵۷۳	۰/۰۳۰
LEV	۰/۱۷۶۰	۰/۰۴۰	-۰/۶۷۰	۰/۵۶۱
List	۱/۱۰۲۰	۰/۰۰۵۶	-۰/۷۸۶	۰/۰۰۱۰
Share	۰/۴۳۹۱	۰/۰۰۴۷	-۰/۱۶۷۸	۰/۶۱
DROA	۰/۰۰۵۹	۰/۰۰۱	-۰/۷۶۲	۰/۶۴۵
Industry	۱/۲۰۴۰	۰/۰۱۴۵	۰/۵۴۳	۰/۰۰
Year	۱/۰۹۱	۰/۰۱۲۰	۰/۵۷۰	۰/۰۰۱
آماره LR	۳۵/۷۸			
سطح معنی داری LR	۰/۰۰۰۱			
آماره ضریب تعیین مک فادن	۰/۸۱			
آماره هاشمر-لمشو	۲/۶۵			
سطح معنی داری هاشمر-لمشو	۰/۰۰۵			

آزمون فرضیه دوم

در خصوص مدل شماره ۲ نتایج در جدول ۵ آورده شده است. نتایج شاخص LR و سطح معنی داری آن برای مدل شماره ۲ به ترتیب برابر است با ۲۹/۴۳ و ۰/۰۰۰۵. این مقادیر نشان دهنده معنی دار بودن مدل می باشد.

از سویی دیگر مقدار آماره مک فادن برای این مدل برابر با ۰/۷۱ بوده و این نشان دهنده رگرسیون مناسب برای متغیر روش موجودی کالا و متغیرهای مستقل مدل می باشد.

نتیجه آزمون برازش هاسمر-لمشو نیز برادی مدل شماره ۲ برابر با ۱/۶۵ بوده و سطح معنی داری این آزمون ۰/۰۰۰ می باشد. لذا برازش این مدل نیز مناسب بوده و می توان گفت بین مقادیر واقعی و برازش شده تفاوتی وجود ندارد.

جدول (۵): نتیجه آزمون فرضیه دوم

$F_{استهلاك_{i,t}} = x_0 + x_1Depreciation_{j,t-1} + x_2Interlock + x_3Depreciation_{j,t-1} * Interlock + x_4 R\&D_{i,t} + x_5 LABOR_{i,t} + x_6MFC_{i,t} * CGS_{i,t} + x_7NPAY_{i,t} + x_8ADV_{i,t} + x_9LEV_{i,t} + x_{10}SALE_{i,t} + x_{11}DROA_{i,t} + \Sigma Year + \Sigma Industry + \varepsilon$				
نام متغیر	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	آماره Z	P
Inventory	۱/۰۱	۰/۰۰۱	۰/۲۴۵	۰/۰۰۱
Interlock	۱/۱۲	۰/۰۰۹۱	-۰/۱۵۸	۰/۰۰۰
Inventory*Interlock	۰/۹۷	۰/۰۴۰	۰/۵۸۹	۰/۰۰۱

۰/۰۶۱۰	۰/۶۷۹	۰/۰۴۵	۱/۸۶	R&D
۰/۵۷۸۹	-۰/۲۴۵	۰/۰۰۴	۰/۹۷	LABOR
۰/۶۵۴۲	۰/۴۵۶	۰/۰۰۱	۰/۰۹	DROA
۰/۳۴	۰/۳۴۵	۰/۰۴۵	۱/۰۰	MFC
۰/۰۰۵	۰/۵۸۹	۰/۰۲۰	۱/۰۸	CGS
۰/۰۰	۰/۵۹۰	۰/۰۴۵	۰/۹۵	NPAY
۰/۰۰۰	-۰/۴۵۶	۰/۰۶۷	۱/۰۲	ADV
۰/۰۰۱	-۰/۳۴۳	۰/۰۲۳	۰/۹۱	LEVMMV
۰/۰۰	۰/۹۷۸	۰/۰۹۸	۰/۸۷	Sale
۰/۰۰۱	-۰/۶۵۰	۰/۰۶۷	۱/۰۰	DROA
۰/۰۵۵	۰/۴۳۲	۰/۰۲۳	۰/۸۱	Year
۰/۳۰۰	۰/۷۸۹۸	۰/۰۴۵	۰/۴۵	Industry
۲۹/۴۳				آماره LR
۰/۰۰۰۵				سطح معنی داری LR
۰/۷۱				آماره ضریب تعیین مک فادن
۱/۶۵				آماره هاشمر-لمشو
۰/۰۰۰				سطح معنی داری هاشمر-لمشو

آزمون فرضیه سوم

در مدل شماره ۳، نتایج حاصل از بررسی رگرسیون پروبیت در جدول شماره ۶ آورده شده است. نتایج شاخص LR و سطح معنی داری آن برای مدل شماره ۲ به ترتیب برابر است با ۴۲/۴۱ و ۰/۰۰۰۱. این مقادیر نشان دهنده معنی دار بودن مدل می باشد. از سویی دیگر مقدار آماره مک فادن برای این مدل برابر با ۰/۹۲ بوده و این نشان دهنده رگرسیون مناسب برای متغیر روش موجودی کالا و متغیرهای مستقل مدل می باشد. نتیجه آزمون برازش هاشمر-لمشو نیز برادی مدل شماره ۲ برابر با ۱/۹۰ بوده و سطح معنی داری این آزمون ۰/۰۰۰ می باشد. لذا برازش این مدل نیز مناسب بوده و می توان گفت بین مقادیر واقعی و برازش شده تفاوتی وجود ندارد.

جدول (۶): نتیجه آزمون فرضیه سوم

$F_{\text{استهلاک}_{i,t}} = x_0 + x_1 \text{Depreciation}_{j,t-1} + x_2 \text{Interlock} + x_3 \text{Depreciation}_{j,t-1} * \text{Interlock} + x_4 R\&D_{i,t} + x_5 \text{LABOR}_{i,t} + x_6 \text{MFC}_{i,t} * \text{CGS}_{i,t} + x_7 \text{NPAY}_{i,t} + x_8 \text{ADV}_{i,t} + x_9 \text{LEVMMV}_{i,t} + x_{10} \text{SALE}_{i,t} + x_{11} \text{DROA}_{i,t} + \Sigma \text{Year} + \Sigma \text{Industry} + \varepsilon$				
P	Z	خطای استاندارد	ضریب رگرسیون	نام متغیر
۰/۰۰۰	۰/۰۱۰۲	۰/۴۵۱۰	۱/۹۲	Depreciation
۰/۰۰۰	۲/۰۲۵۳	۰/۵۸۹۱	-۱/۲۰۹۸	Interlock
۰/۰۰۱	۰/۴۴۶۹	۰/۱۳۴۰	-۰/۹۶۰	Depreciation * Interlock
۰/۰۶۸	۰/۳۶۶۶	۰/۰۱۵۶	۱/۷۲۰	R&D
۰/۵۱۳	-۰/۱۶۰۰	۰/۱۴۴۷	۰/۶۹۱	LABOR
۰/۶۰۰	۰/۵۳۳۲	۰/۰۱۱۱	۱/۰۹	DROA
۰/۴۷	۰/۰۸۰۲	۰/۳۳۴۵	۰/۸۴۰	MFC
۰/۰۰۵	-۰/۹۲۸۶	۰/۴۳۲۰	۱/۷۹۱	CGS

۰/۰۰	-۰/۹۸۱	۰/۲۳۴۵	۰/۸۲۳	NPAY
۰/۰۰۰	۱/۶۹۰	۰/۱۵۶۷	۱/۰۹	ADV
۰/۰۰۵	۰/۸۴۳	۰/۱۱۲۳	۰/۸۷۶۰	LEVMV
۰/۰۰	۰/۳۴۷۰	۰/۴۳۲۱	۰/۱۲۸۷	Sale
۰/۰۰۰	۰/۵۰۰	۰/۳۶۷۸	۰/۹۷۶۱	DROA
۰/۱۲۰	۰/۵۲۹	۰/۲۶۵۴	۰/۳۲۴۱	Year
۰/۶۱۲	-۰/۱۹۸۶	۰/۱۲۹۰	۱/۷۶۵	Industry
۴۲/۴۱				آماره LR
۰/۰۰۰۱				سطح معنی داری LR
۰/۹۲				آماره ضریب تعیین مک فادن
۱/۹۰				آماره هاشمر-لمشو
۰/۰۰۱				سطح معنی داری هاشمر-لشمو

فرضیه اول

فرضیه اول این تحقیق بیان می دارد که:

انتخاب روش حسابداری شرکت (روش ارزشیابی موجودی کالا، روش محاسبه استهلاک) با انتخاب روش حسابداری شریک مشترک ارتباط دارد.

با توجه به ضرایب رگرسیونی بدست آمده در مدل شماره ۱ و با توجه به مقادیر آماره Z و سطح معنی داری مشخص است که بین متغیر وابسته انتخاب روش حسابداری و متغیرهای LEV, Share, DROA و ارتباط معنی داری وجود ندارد. اما بین متغیر وابسته و متغیرهای size, Bsize, List, Industry و Year ارتباط معنی داری وجود دارد. از سویی دیگر مقدار احتمال معنی داری کلی مدل برابر با ۰/۰۰۰ بوده و در نتیجه مدل شماره ۱ معنی دار است (مقدار احتمال آن کمتر از ۰/۰۰۵ است)، بنابراین این فرضیه تایید می گردد.

فرضیه دوم

فرضیه های دوم و سوم تحقیق نیز بیان می داشتند که

۱- مدت زمان رابطه هیأت مدیره مشترک، در انتخاب روشهای حسابداری شرکت تأثیر دارد.

۲- هیأت مدیره مشترک یا تخصص مالی، در انتخاب روشهای حسابداری شرکت تأثیر دارد.

با بررسی مقدار آماره Z و سطح معنی داری بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته انتخاب روش های حسابداری نشان می دهد که تنها بین متغیرهای MFC, DROA, LABOR, Year, Industry و R&D ارتباط معنی داری وجود ندارد. ولی بین روش موجودی کالا و متغیرهای Inventory*Interlock, Inventory, CGS, NPAY, ADV, LEVMV, Sale ارتباطی معنی دار وجود دارد. از سویی دیگر مقدار احتمال معنی داری کلی مدل برابر با ۰/۰۰۰۱ بوده و در نتیجه مدل شماره ۲ معنی دار است (مقدار احتمال آن کمتر از ۰/۰۰۵ است)، بنابراین فرضیه های شماره ۲، مبنی بر تأثیر مدت زمان ارتباط هیأت مدیره مشترک بر روی روش های حسابداری شرکت تایید می گردد.

فرضیه سوم

فرضیه سوم این تحقیق بصورت زیر می باشد.

در خصوص فرضیه سوم، با توجه به اینکه مقدار احتمال P کمتر از ۰/۰۵ می باشد، لذا این فرضیه (هیأت مدیره مشترک یا تخصص مالی، در انتخاب روش های حسابداری شرکت تأثیر دارد) نیز تأیید می شود.

با بررسی مقدار آماره Z و سطح معنی داری بین متغیرهای مستقل و متغیر روش حسابداری نشان می دهد که تنها بین متغیرهای MFC, DROA, LABOR, Year, Industry و R&D ارتباط معنی داری وجود ندارد. ولی بین روش موجودی کالا و متغیرهای Inventory*Interlock, Inventory, CGS, NPAY, ADV, LEVMV, Sale ارتباطی معنی دار وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتایج بدست آمده مشخص شد که فرضیه اول تحقیق (تأثیر هیأت مدیره مشترک بر روی انتخاب روش حسابداری)، به دلیل معنی دار بودن متغیر وابسته تایید شد ($P > 0/05$). همچنین نتایج حاصل از برازش مدل، حاکی از برازش مناسب مدل ارائه شده بود. جای هان، نان هو، لینگ لیو، گائولیانگ تیان (۲۰۱۷) نیز با بررسی تأثیر انتخاب روش حسابداری مجزای بر مدیران مشترک از لحاظ انتشار رفتاری در چین و شانگهای به نتایج مشابهی دست یافته و ثابت شد که وجود مدیران مشترک برانتخاب روش حسابداری تأثیری معنی دار است.

پنگ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین هیأت مدیره مشترک و عملکرد شرکت های چینی پذیرفته شده در بورس هنگ کنگ پرداخته و به این نتیجه رسیدند که وجود هیأت مدیره مشترک به بهبود عملکرد شرکت ها کمک می کند. هلمرز و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر هیأت مدیره مشترک بر میزان مخارج تحقق و توسعه و مخارج حق الاختراع که نماینده نوع آوری شرکت هستند، در هند پرداخته و نتیجه گرفتند هیأت مدیره مشترک اثر مثبتی بر هزینه های تحقیق و توسعه و میزان مخارج اختراعات شرکت دارد.

جستن مندزاک (۲۰۱۳) با بررسی رابطه هیأت مدیره مشترک، افشاهای اختیاری و کیفیت سود یافتند که هیأت مدیره های مشترک با افشاهای داوطلبانه ارتباط منفی و باکیفیت سود ارتباط مثبت دارد.

داریوش فروغی، جمال علیدادی شمس آبادی (۱۳۹۶) در پژوهشی با بررسی تأثیر هیأت مدیره مشترک بر افشای اختیاری اطلاعات و کیفیت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران نشان دادند که هیأت مدیره مشترک بر کیفیت سود تأثیر مثبت دارد.

یعقوب مزرعه لی، مهدی آقا بیگی، زینب جوانشیری نژاد (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر وجود عضو هیأت مدیره مشترک بر سطح افشاء و کیفیت سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران نتیجه گرفتند بین وجود هیأت مدیره مشترک و سطح افشاء به صورت معکوس و کیفیت سود و عملکرد شرکت به صورت مستقیم رابطه معناداری و بین وجود هیأت مدیره مشترک و فرار مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد.

سمیه مدن حقیقی، سعید امیدوار، محمود قاسمیان (۱۳۹۴) با بررسی رابطه بین وجود عضو هیأت مدیره مشترک با عملکرد آتی شرکت های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران نتیجه گرفتند عضو هیأت مدیره مشترک رابطه مثبت با عملکرد آتی، کیفیت سود شرکت ها دارد.

حمیدرضا وکیلی فرد، غلام حسین نیکوکار، سمیه مدن حقیقی (۱۳۹۲) در بررسی تأثیر هیأت مدیره مشترک بر سطح افشاء و کیفیت سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران نتیجه گرفتند که بین هیأت مدیره مشترک و سطح افشاء رابطه معکوس و بین هیأت مدیره مشترک با کیفیت سود و عملکرد شرکت رابطه مستقیم و با فرار مالیاتی رابطه ندارد.

در خصوص فرضیه دوم (تأثیر مدت ارتباط هیأت مدیره مشترک و انتخاب روش حسابداری) نیز تایید شد. تحقیق انجام گرفته توسط جای هان، نان هو، لینگ لیو، گائولیانگ تیان (۲۰۱۷) با نتایج این تحقیق مطابقت داشت. آنها نیز نشان دادند رابطه مثبت و معنی دار بین مدت زمان ارتباط هیأت مدیره مشترک و انتخاب روش حسابداری توسط شرکت وجود دارد.

اما فرضیه سوم (تأثیر تخصص مالی هیأت مدیره مشترک بر انتخاب روش حسابداری) نیز با توجه به اینکه مقدار احتمال و معنی دار بودن متغیر وابسته کمتر از ۰/۰۵ می باشد، این فرضیه ها نیز تأیید می گردد ($P > 0/05$). تحقیق انجام گرفته توسط جای هان، نان هو، لینگ لیو، گائولیانگ تیان (۲۰۱۷) با نتایج این تحقیق هم سویی دارد.

در خصوص تبیین یافته های حاصل در این تحقیق می توان بیان کرد که مدیران شرکت در انتخاب روش های حسابداری خود، گزینه های روش حسابداری مالی شریک های خود را دنبال می کنند. از سویی دیگر در زمانی که یک رابطه مشترک بین دو شرکت وجود دارد، روش های حسابداری آن شرکت ها شامل روش های موجودی و روش های استهلاك، مشابه یکدیگر بوده که نشان دهنده این است که روش های حسابداری می تواند از طریق مدیران مشترک به شرکت های دیگر نیز نفوذ نماید. علاوه بر این، رابطه اشتراک طولانی بین دو شرکت عدم اطمینان را نیز افزایش می دهد. هم چنین، اثر اشتراکی بودن بر روی روش های استهلاك برای شرکتهایی که مدیران مشترک دارای زمینه مالی هستند، بیشتر است. در نهایت، با توجه به انحراف موجود در انتخاب نمونه، تأثیر یکپارچگی صنعت، مسئله اندوژن، اثرات ناشی از هیأت مدیره مشترک، استفاده از جمع شدگی به عنوان معیاری برای اندازه گیری مجموع انتخاب روش های حسابداری و غیره می توان دریافت که نتایج به دست آمده همچنان پایدار و قابل اتکا هستند.

منابع و مراجع

- [۱] مزرعه لی، یعقوب؛ آقابایگی، مهدی؛ جوانشیری نژاد (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر وجود هیأت مدیره مشترک بر سطح افشاء و کیفیت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه اقتصاد و مالیات، دوره ۲، شماره ۱.
- [۲] فروغی، داریوش؛ علیدادی شمس آبادی (۱۳۹۶)، تأثیر هیأت مدیره مشترک بر افشای اختیاری اطلاعات و کیفیت سود، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، سال نهم، شماره ۳۴.
- [۳] مدن حقیقی، سمیه؛ امیدوار، سعید؛ قاسمیان، محمود (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین وجود عضو هیأت مدیره مشترک با عملکرد آتی شرکت های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران، دومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.
- [۴] وکیلی فرد، حمیدرضا؛ حسین نیکوکار، غلام؛ مدن حقیقی سمیه (۱۳۹۲) بررسی تأثیر هیأت مدیره مشترک بر سطح افشاء و کیفیت سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران، دومین کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه گذاری، گرگان، انجمن علمی و حرفه ای مدیران و حسابداران گلستان.
- [5] Addy, N., Chu, X., Yoder, T., 2014. Voluntary adoption of clawback provisions, corporate governance, and interlock effects. *J. Account. Public Policy* 33 (2), 167–189.
- [6] Chiu, P.-C., Teoh, S.H., Tian, F., 2013. Board interlocks and earnings management contagion. *Account. Rev.* 88 (3), 915–944.
- [7] Crespi-Cladera, R., Pascual-Fuster, B., 2015. Executive directors' pay, networks and operating performance: the influence of ownership structure. *J. Account. Public Policy* 34 (2), 175–203.
- [8] Davis, G.F., 1991. Agents without principles? The spread of the poison pill through the intercorporate network. *Admin. Sci. Quart.* 36 (4), 583–613.
- [9] Fama, E., & Jensen, M. (1983) Separation of ownership and control *Journal of Law and Economics*, 26: 301-325.
- [10] Haunschild, P.R., 1993. Interorganizational imitation: the impact of interlocks on corporate acquisition activity. *Admin. Sci. Quart.* 38 (4), 564–592.
- [11] Holthausen, R.W., 1990. Accounting method choice: opportunistic behavior, efficient contracting, and information perspectives. *J. Account. Econ.* 12 (1–3), 207–218.
- [12] Holthausen, R.W., Leftwich, R.W., 1983. The economic consequences of accounting choice implications of costly contracting and monitoring. *J. Account. Econ.* 5, 77–117.
- [13] Jie Han, Nan Hu, Ling Liu, Gaoliang Tian, 2017. Does director interlock impact the diffusion of accounting method choice? *Elsevier Inc*, 2017, 1-19
- [14] Mike w. peng. ananc. Multleu, stevesauennwald, (2015), "Board Interlocks and Corporate Performance Among Firms Listed Aboard", *Journal of management history*, Vol.21, No. 2.
- [15] Mizuchi, M.S. (1996) What Do Interlocks Do? An Analysis, Critique, and Assessment of Research on Interlocking Directories. *Annual Review of Sociology* ; 1996, Vol. 22 Issue 1, p271, 28p
- [16] Reppenhagen, D. A. (2010). Contagion of accounting methods: Evidence from stock option expensing. *Review of Accounting Studies*, 15 (3), 629-657.
- [17] Richardson, R.J. (1987) Directorship Interlocks and Corporate Profitability. *Administrative Science Quarterly*, Vol. 32 Issue 3, p367, 20p;
- [18] Shi, L., Dharwadkar, R., Harris, D., 2013. Board Interlocks and Earnings Quality. <https://pdfs.semanticscholar.org/4336/4ea0241b37cf601d669ebfedeb3e3934fbd1.pdf> (accessed 17.03.19).
- [19] Shropshire, C., 2010. The role of the interlocking director and board receptivity in the diffusion of practices. *Acad. Manage. Rev.* 35 (2), 246–264.
- [20] Watts, R.L., Zimmerman, J.L., 1990. Positive accounting theory: a ten year perspective. *Account. Rev.* 65 (1), 131–156.